

گزارش روز



**میشم سلیمانی**

در دهه‌های اخیر جهان در برابر یک واقعیت انکار ناپذیر قرار دارد و آن این است که ایالات متحده امریکا بر مبنای بررسی‌های جهانی قدرتمندترین ارتش دنیا را در اختیار دارد. از طرفی رییس‌جمهور ایالات متحده با اختیارات بسیار زیاد خود فرماندهی کل قوای این کشور را برعهده دارد. از همین رو همیشه این نگرانی در امریکا وجود خطرناک‌و غیر قابل کنترل قرار گیر دالته پیش‌بینی‌های لازم در چنین مسیری در نظر گرفته شده است. طبق قانون اساسی امریکا راهاندازی هر جنگی نیازمند تصویب کنگره این کشور است و رییس‌جمهور امریکا باید برای دستور فرماندهی جنگ مجوز کنگره را در اختیار داشته باشد در غیر این صورت آغاز هر گونه جنگی از سوی رییس‌جمهور غیرقانونی خواهد بود. اما در حال حاضر از سال ۲۰۰۱ که اعضای کنگره امریکا به رییس‌جمهور اختیاراتی قابل توجه در زمینه مبارزه با تروریسم و دشمنان ایالات متحده داده‌اند تاکنون عملا دست کنگره برای دخالت در تصمیم‌های نظامی رییس‌جمهور تا حد زیادی کوتاه شده است. گفتنی است علاوه بر جورج بوش، باراک اوباما نیز با استفاده از این مجوز در مبارزه علیه داعش ورود پیدا کرد اما اکنون دونالد ترامپ با استفاده از همین مجوز دست به حمله نظامی در سوریه می‌زند. از همین رو نمایندگان کنگره به‌شدت نگران شده‌اند که این ابزار نظامی قدرتمند در اختیار فردی قرار گرفته که جنون قدرت وی ممکن است کشور را به سمت

**امریکا**



یک اقدام خطرناک سوق دهد. سناتور مار کو ربویوی جمهوری خواه از ایالت فلوریدا و الیزابت وارن دموکرات از ایالت ماساچوست که معمولا دیدگاه‌های همسویی با یکدیگر ندارند، هر دو تاکید کردند که رییس‌جمهور باید یک استراتژی جامع و مشخص درباره سوریه را ارائه دهد. هر دو سناتور بلندپایه که حتی ممکن است بخواهند در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده نیز حضور پیدا کنند پس از حمله امریکا و متحدانش به سوریه این سخنان را مطرح کردند.به گزارش واشنگتن پست این رویکرد اکنون در تمام طیف‌های سیاسی پس از حمله به سوریه وجود دارد. تمام آنها اکنون بر روی تاثیر حملات، منافع امریکار در خارج از کشور و قدرت رییس‌جمهور برای اقدام نظامی در حال بحث و اظهار نظر هستند. وارن رسما اعلام کرد، اگر ترامپ می‌خواهد دخالت نظامی امریکا در جنگ داخلی سوریه را گسترش دهد، باید از کنگره در خواست مجوز کند و یک استراتژی جامع با اهداف واضح و برنامه‌ای برای دستیابی به آن ارائه دهد. ربویو نیز هر چند در سخنان خود اشاراتی به مجوز کنگره برای اعزام نیرو نکرد اما خواستار یک راهبرد واقعی و جامع برای پایان دادن به تهدید اسد برای مردم خود، منطقه و ایالات متحده و همچنین برای مقابله با حمایت روسیه و ایران از حکومت سوریه شد. لازم به ذکر است حمله نظامی پامداد روز شنبه زمانی انجام شد که مجلس سنا فشارهای جدیدی را برای تصویب مجوز تجدید نظر در استفاده از نیروی نظامی در قانون AUMF آغاز کرد تا جایگزینی برای قانونی شود که در سال ۲۰۰۱ برای حمله به افغانستان و سپس برای عراق مورد استفاده قرار گرفت و مداخله نظامی امریکا را

توجیه می‌کرد. با این حال حدود ۵ سال است که در میان نمایندگان کنگره امریکا بحث در خصوص موضوع وجود دارد اما هیچگاه به یک توافق جامع ختم نشد تا اختیارات رییس‌جمهور در خصوص استفاده از قوای نظامی باز تعریف نشود. با این وجود با توجه به اینکه دولت دونالد ترامپ به‌طور کلی کنگره امریکارا در دستورات نظامی خود نادیده گرفته است و هیچ تلاشی نیز برای جلب رضایت اعضای آن انجام نداده آنها نیز به‌شدت از ادامه این روند نگران و ناراحت هستند. تیم کین سناتور دموکرات که همواره فردی پیشرو برای محدود کردن قانون AUMF شناخته می‌شود حمله به سوریه بدون یک استراتژی گسترده را غیرقانونی دانست. وی در سخنانی عنوان کرد در حال حاضر چه چیزی می‌تواند دونالد ترامپ را در خصوص بمباران ایران یا کره شمالی به عنوان گزینه‌های بعدی متوقف کند. وی افزود: رییس‌جمهور باید تایید کنگره را قبل از اینکه به سوریه حمله کند و یک اشتباه بزرگ را مرتکب شود در یافت کند.

سناتور لیندزی گراهام یکی از اعضای با نفوذ کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا نیز روز شنبه اعلام کرد که حملات نشان از یک انسجام سیاسی در خصوص استفاده از سلاح شیمیایی است و نه بیشتر از آن. وی افزود: دولت دارای یک استراتژی است و اینکه می‌خواهد سریع‌ترین راه برای خروج از سوریه را پیدا کند. وی در بیانیه‌ای از سیاست‌هایی که موجب تقویت دستا نروسیه و ایران که متحدان سوریه به حساب می‌آیند می‌شود، انتقاد کرد. وی افزود ما بجران در سوریه راندایده گرفتیم. این مشکل ما نبود. این استراتژی زمانی که در دوره اوباما به تصویب



رسید شکست خورده بود و حال این استراتژی از بین رفته است.

به نظر می‌رسد بناسنت تغییراتی در خصوص قانون AUMF صورت گیرد. اختیارات رییس‌جمهور محدودتر خواهد شد و احتمالا اجازه حمله دپواره به سوریه را نخواهد داد. مایک پمپئو گزینه معرفی شده برای تصدی وزارت حضور در هفته گذشته عنوان کرد که از قانون جدید AUMF حمایت خواهد کرد. رهبران رده بالای کنگره اغلب خواستار بررسی دقیق‌تر رویکرد ایالات متحده به سوریه و نقش کنگره در آن شده‌اند.

در شرایط کنونی و فشارهای متعدد بر روی دولت بسیاری منتظر ارایه استراتژی جدیدی در خصوص سوریه هستند که تیم جدید سیاست خارجی و امنیت ملی ترامپ باید آن را تهیه کند. هنوز مایک پمپئو تاییده سنا را برای حضور در کابینه به عنوان وزیر خار چه دریافت کرده‌است و جان بولتون نیز به عنوان مشاور امنیت ملی جدید در حال تغییرات شورای امنیت ملی امریکا است تا ترکیب مورد نظر خود را ایجاد کند. مشخص نیست که افرادی مانند پمپئو و بولتون نیز استراتژی را در خصوص سوریه دنبال خواهند کرد اصلا معلوم نیست که دولت امریکادر میان تمام رسوایی‌ها و چالش‌هایی که با آن روبه‌رو است بتواند استراتژی مدون و هدفمند را ارائه دهد. از طرفی دیگر کنگره امریکا به‌شدت دنبال محدود کردن اختیارات رییس‌جمهور در استفاده از نیروهای نظامی است چرا که حمله به سوریه هر چند حمایت کلی سیاستمداران را به همراه داشته اما سوالات متعددی را در خصوص آینده به وجود آورده که همه از دولت توقع دارند به آنها پاسخ دهد.

## نشست سران کشورهای قاره امریکا با تمرکز بر بحران ونزوئلابر گزار شد بقای واشنگتن در توافق تجارت آزاد

پست در گزارشی از این نشست می‌نویسد هنوز زمان زیادی از آن دوران نگذشته است که کشورهای امریکای لاتین از هر فرصتی برای حمله لفظی به سیاست‌های دولت امپریالیست شمال قاره امریکا استفاده می‌کردند. در شرایطی که ترامپ رییس‌جمهور امریکا است و نیز از هر فرصتی برای حمله و توهین به کشورهای جنوبی استفاده می‌کند، نشست کشورهای قاره امریکا، میدان مناسبی برای حملات سیاسی بود، اما واقعیت این است که منطقه امریکای جنوبی طی سال‌های اخیر نسبت به گذشته بسیار محافظه‌کار تر شده و در عین حال اولویت نگرانی‌های این منطقه به بحران در ونزوئلا تغییر یافته است. اجلاس روز شنبه سران قاره جدید، بدون کمترین حاشیه برگزار شد. تقریبا هیچ یک از سران کشورهای امریکای لاتین اشاره‌ای مستقیم به نام جنرال آفرین

ایالات متحده به سوریه را محکوم می‌کند» و این اقدامات را «تمهیز آسکار به قوانین و حقوق بین‌المللی می‌داند.» او در عین حال در بخش دیگری از سخنانش با ترسیم تصویری سیاه از ایالات متحده امریکا، این کشور را محلی نامید که «دانش آموزان با اسلحه کشته می‌شوند و قربانی خواهند شد.» او از سیاست‌های سیاسی می‌شوید» و از اقداماتی همچون «لایحه برای دیوار کشی، نظامی‌سازی مرزها، اخراج دسته‌جمعی مهاجران شامل کودکان و کسانی که در خاک این کشور متولد شده‌اند» انتقاد کرد. در شرایطی که برخی از کشورهای متحد واشنگتن، از جمله کانادا از اقدام نظامی امریکا، بریتانیا و فرانسه علیه سوریه حمایت کردند، اما او مورالس، رییس‌جمهور بولیوی، بعد از وزیر خارجه کوبا، تندترین انتقادها را از سیاست‌های امریکا کرد. مورالس که از اصلی‌ترین منتقدان سیاست‌های امریکار در منطقه امریکای لاتین و ضد ونزوئلا است، در سخنان تند خود تاکید کرد: «باید با شفافیت تمام تاکید کرد، اصلی‌ترین تهدید برای دموکراسی، صلح، آزادی، کره زمین و چند جانبه‌گرایی، دولت ایالات متحده امریکا است. زمین بدون کوچک‌ترین وحشتی این تکت را علنا و بلند بیان می‌کنم.» مورالس که سفیر کشورش در سازمان ملل متحد نیز از جلسه شورای امنیت برای حمله به سیاست‌های امریکا و جنگ‌افروزی این کشور استفاده کرده بود، به‌شدت از دولت پرو به دلیل دعوت نکردن از نیکولاس مادورو برای شرکت در اجلاس انتقاد کرد.

**سیگانل‌های مثبت نفتا**

شاید مهم‌ترین توافق حاشیه نشست سران قاره امریکا، اظهارات مایک پنس بعد از دیدار با نخست‌وزیر کانادا، جاستین ترودو بود که تاکید کرد کم‌کم است کانچند هفته دیگر، توافق نهایی برای بازنگری در نفتا (توافق تجارت آزاد امریکای شمالی) میان مکزیک، کانادا و ایالات متحده امریکا، به دست بیاید. هر چند مایک پنس با آنریکه پینا نیه، تو رییس‌جمهور مکزیک هم دیدار و گفت‌وگو کرد، اما بعد از این دیدار هیچ یک از دو مقام حاضر به پاسخگویی به خبرنگاری که از آنها در مورد دیوار مرزی وعده داده‌شده توسط ترامپ می‌پرسیدند، نشدند. پینا نیه تو تاکنون دو بار سفر خود به واشنگتن را به دلیل اختلافات در مورد شعار دونالد ترامپ برای ساخت دیوار در مرز مکزیک، لغو کرده‌است. دونالد ترامپ، پیش از این تهدید کرد دمیو که به دلیل «غیرمنصفانه بودن» نفتا، علاقه‌مند است امریکارا از این توافق تجارت آزاد خارج کند. اما بر اساس آنچه مایک پنس و جاستین ترودو بعد از دیدارشان گفتند، نشانه‌های مثبتی از نزدیک شدن به توافق برای نگه داشتن امریکادر نفتا و بازنگری در برخی از مواد آن دیده می‌شود.

**گفت‌وگوی روز**

احمد دستمالچیان، سفیر پیشین ایران در لبنان واردن در گفت‌وگو با «اعتماد»:

## عربستان در رویارویی با مردم پابرهنه یمن هم ناتوان بود



موفق شود. اگر قرار باشد مصالح‌های میان عربستان و قطر انجام شد، فقط دعوت برای شرکت در یک جلسه سران کافی نیست و لازم است که عربستان سعودی و متحدانش، شروطی را برآه که دوحه تعیین کرده‌اند، تعدیل کنند.

■ **یکی از موضوع‌های اصلی نشست سران اتحادیه عرب در طهران، مساله ایران عنوان شد. فکر می‌کنید عربستان چرا تا این اندازه در ایجاد اختلاف میان کشورهای عربی و ایران تلاش می‌کند؟**

نباید تصور کرد که سیاست‌های عربستان در برابر ایران منحصر به سه سال اخیر است، دشمنی عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران درست از روز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شروع شد. از همان زمان عربستان همکاری مستمر و مستقیمی با رژیم صهیونیستی و منافقین آغاز کرد تا جمهوری اسلامی ایران را بی‌ثبات کند. اغلب جنایات منافقین با حمایت مستقیم اطلاعاتی و سرمایه‌گذاری رژیم سعودی انجام شده‌است. فقط در مورد ترور عماد منیفه همکاری بسیار گسترده‌ای بین نیروهای اطلاعاتی عربستان و موماد برای اجرای این عملیات انجام شد.

بعد از مرگ عبدالله بن عبدالعزیز و خاستن سلمان بن عبدالعزیز بر تخت سلطنت، پسر جوان، خام‌وب تجربه او بود که زمام امور را عملا در عربستان در دست گرفت. محمد بن سلمان بسیاری طرح‌های جاه‌طلبانه را به تصور پشتیبانی امریکا آغاز کرد. تلاش‌های عربستان برای سرنگونی نظام قانونی حاکم بر این کشور چند برابر شد، حمایت بی‌حد و حصر از گروه‌های افراطی، تکفیری و تروریستی برای بر هم زدن نظم منطقه و ایجاد یک محیط امن در اطراف رژیم صهیونیستی، استمرار اشغال نظامی بحرین و وعده دو هفته‌ای برای اشغال یمن، همه با صرف هزینه بسیار یا کاملا با شکست مواجه شده‌اند یا رفته رفته با گذر زمان، بدون هیچ دستاورد سیاسی و نظامی برای ریاض، به چاهی برای هدیر رفتن پول‌های عربستان تبدیل شده است. عربستان تحت حاکمیت سلمان و محمد بن سلمان به یک کشور معلق و پاره‌دار تبدیل شده که طی سه سال گذشته به هیچ یک از اهداف بلندپروازانه‌اش حتی نزدیک هم نرسده است. امروز هم با برگزاری همه نشست‌ها و اجلاس‌های سیاسی و عربستان سعودی، این کشور موفق نشده است جایگاه ایران را زیر

۱۱۱

سوال ببرد و در واقع پادشاهی کوچک‌تر از آن است که بتواند به ایران ضربه‌ای بزند. با تمام ادعاها، هزینه‌ها، تمام خریدهای تسلیحاتی و تمام نشست‌های سیاسی، عربستان حتی در رویارویی با مردم پاره‌برهنه فقیرترین کشور عربی هم ناتوان بود، چه پرسد به اینکه بخواهد در مقابل یک قدرت منطقه‌ای مانند ایران قرار بگیرد. عربستان امروز در باتلاقی قرار گرفته که هر اندازه بیشتر دست و پا بزند، بیشتر و بیشتر فرو می‌رود.

■ **اجلاس سران کشورهای عربی اتحادیه عرب، یک روز بعد از حمله امریکا و متحدانش به خاک سوریه اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد که به جز عربستان، امارات، بحرین و قطر، دیگر کشورهای عربی از جمله کویت، اردن، مصر و عراق، نسبت به این اقدام مخالفت کردند. در واقع دارند. آیا می‌توان گفت که در اتحادیه عرب بد مورد حمله امریکا به خاک یک کشور عربی اختلاف نظر و شکاف وجود دارد؟**

بگذارید من یک قدم جلوتر بروم، نه تنها در میان کشورهای عربی، بلکه در سطح بین‌المللی هم اقدام امریکا یک شکست مفتضحانه محسوب می‌شد. به جز فرانسه و بریتانیا، هیچ یک از دیگر متحدان امریکایی حاضر به مشارکت در این تجاوز نشدند، کشورهایی مانند چین و آلمان با این اقدام مخالفت کردند. در واقع نه تنها یک ائتلاف بین‌المللی علیه مقاومت تشکیل نشد، بلکه عملیاتی که انجام شد را می‌توان یک موشک بازی نامید. در کنار ناتوانی امریکا در تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی، شاهد شکاف در بین اعراب در مورد چنین اقداماتی هم هستیم. کشورهای مهم عربی و همسایگان سوریه حاضر به حمایت از این اقدام نشدند. عملا می‌توان گفت که اقدام امریکا هیچ دستاوردی نداشت، بلکه باعث عیان تر شدن شکاف با امریکا شد. امروز به این دلیل که توازن صحنه در اختیار محور مقاومت است و قدرت و ابتکار سیاسی و نظامی در اختیار محور مقاومت است، هر اندازه که امریکا و متحدانش بیشتر تلاش کنند که این بازی شکست خورده را باز زخمی کنند، بیش از پیش دچار رسوایی و شکست خواهند شد. قطعا در آینده با ادامه این روند، تعداد کشورهای عربی بیشتری دست از حمایت از جبهه عربستان می‌شویند.

عربستان تحت حاکمیت سلمان و محمد بن سلمان به یک کشور معلق و پاره‌ها تبدیل شده که طی سه سال گذشته به هیچ یک از اهداف بلندپروازانه‌اش حتی نزدیک هم نرسده است. عربستان هم با برگزاری همه نشست‌ها و اجلاس‌های سیاسی، عربستان سعودی، این کشور موفق نشده است جایگاه ایران را از زیر پرده برد و در واقع پادشاهی کوچک‌تر از آن است که بتواند به ایران ضربه‌ای بزند.

عربستان تحت حاکمیت سلمان و محمد بن سلمان به یک کشور معلق و پاره‌ها تبدیل شده که طی سه سال گذشته به هیچ یک از اهداف بلندپروازانه‌اش حتی نزدیک هم نرسده است. عربستان هم با برگزاری همه نشست‌ها و اجلاس‌های سیاسی، عربستان سعودی، این کشور موفق نشده است جایگاه ایران را از زیر پرده برد و در واقع پادشاهی کوچک‌تر از آن است که بتواند به ایران ضربه‌ای بزند.

عربستان تحت حاکمیت سلمان و محمد بن سلمان به یک کشور معلق و پاره‌ها تبدیل شده که طی سه سال گذشته به هیچ یک از اهداف بلندپروازانه‌اش حتی نزدیک هم نرسده است. عربستان هم با برگزاری همه نشست‌ها و اجلاس‌های سیاسی، عربستان سعودی، این کشور موفق نشده است جایگاه ایران را از زیر پرده برد و در واقع پادشاهی کوچک‌تر از آن است که بتواند به ایران ضربه‌ای بزند.

عربستان تحت حاکمیت سلمان و محمد بن سلمان به یک کشور معلق و پاره‌ها تبدیل شده که طی سه سال گذشته به هیچ یک از اهداف بلندپروازانه‌اش حتی نزدیک هم نرسده است. عربستان هم با برگزاری همه نشست‌ها و اجلاس‌های سیاسی، عربستان سعودی، این کشور موفق نشده است جایگاه ایران را از زیر پرده برد و در واقع پادشاهی کوچک‌تر از آن است که بتواند به ایران ضربه‌ای بزند.